

شاید بسیاری از عزیزانی که آمار فروش کتاب های پر فروش جهان مانند هری پاتر را می شنوند، این تصور را پیدا می کنند که در آن سوی مرزها، وضعیت چاپ و نشر عالی بوده و در نتیجه هر کس که دست به قلم ببرد می تواند از درآمدهای خوبی برخوردار گردد.

هر چند چاپ بین المللی و توزیع جهانی آثار فرصت بی همتایی برای معرفی آثار ارزشمند نویسندگان عزیز کشورمان که سالها از بازار و مخاطبان جهانی دور بوده، می باشد، ولی دست یابی به فروش نجومی آن هم در سطحی متفاوت اصول و قواعد خودش را دارد. در ادامه سعی خواهیم نمود تا با کمک مطلب منتشر شده ای از استیون پرستی، مدیر موسسه انتشاراتی برت-کوهلر، چند واقعیت مهمی که بتواند وضعیت نشر کتاب در جهان غرب را بهتر برای شما عزیزان روشن نماید، ارائه نماییم. امید است که با همراهی شما عزیزان شاهد، توجه بیشتر فرهیختگان به حضور بین المللی نام کشور عزیزمان باشیم.

1- تعداد کتابهای منتشر شده در هر سال رو به انفجار است. بنا به گزارش نشریه «باوکر ریپورتر» در سال 2013، بالغ بر 391 هزار کتاب در آمریکا به وسیله مولف- ناشران منتشر شده که نتیجه شگفتانگیز افزایش 422 درصدی نسبت به سال 2007 را نشان می دهد. تعداد کتابهای منتشر شده توسط ناشران هم در همین بازه زمانی 300 عدد هزار افزایش یافته که در نتیجه آمار آثار منتشر شده هر سال در آمریکا به بیش از 700 هزار عنوان کتاب رسیده است. همچنین از سال 2007 نزدیک به 10 میلیون کتاب بازنشر شده از سوی موسسات انتشاراتی روانه بازار کتاب شده است. از اینرو به نظر میرسد متأسفانه بازار کتاب اشباع شده و قابلیت جذب این حجم کتاب را ندارد.

2- با وجود انفجار این حجم کتاب منتشر شده، بازار صنعت نشر رو به نزول است. طبق گزارشهای انجام گرفته در سال 2014، تا سال 2007 آمار فروش کتابهای غیرداستانی هر سال بالا میرفت و در این سال به نقطه اوج خود رسید و پس از آن رو به کاهش گذاشت.

3- با وجود رشد فروش کتابهای الکترونیکی، فروش کلی کتاب (کتابهای چاپی و الکترونیکی) کاهش یافته است. پس از رشد سرسام آور کتابهای الکترونیکی از سال 2008 تا 2012، سرانجام از سال 2013 میزان فروش ثابت مانده است و متأسفانه کاهش کتابهای چاپی از افزایش کتابهای الکترونیکی پیشی گرفته است؛ به نحوی که طبق اطلاعات گزارش انجمن ناشران آمریکا در سال 2013، در سال 2012 بازار نشر کتاب دوباره سقوط کرد و به میزان 27/1 میلیارد دلار رسید.

4- میانگین فروش کتاب بهطور تکآندهندهای کم و با سرعت رو به سقوط است. ترکیب پدیده انفجار عناوین منتشر شده در بازار کتاب و فروش پایین موجب میشود که میانگین فروش هر عنوان کتاب کاهش یابد. طبق آمار در سال 2013 از مجموع کتابفروشیها، فروش آنلاین و خردهفروشیها تنها 225 میلیون نسخه کتاب از همه نوع کتاب غیرداستانی بزرگسال در آمریکا فروش رفته است که این یعنی فروش متوسط هر عنوان، کمتر از 250 نسخه در هر سال و 2000 نسخه برای همیشه و تنها عناوین معدودی پرفروش شدهاند. طبق آمار سال 2010 نشریه نیویورک تایمز، از هر 1000 عنوان کتاب مرتبط با موضوع کسبوکار، تنها 62 عنوان توانستند به فروش بیش از 5000 نسخه دست یابند.

5- کمتر از یک درصد کتابها شانس این را دارند که به کتابفروشیهای متوسط راهیابند. در هر قفسه کتابفروشی 100 تا

1000 عنوان کتاب برای رقابت وجود دارد. برای مثال از کتابهایی با موضوع کسبوکار در کتابفروشیهای کوچک نزدیک به 100 عنوان و در کتابفروشیهای بزرگ بیش از 1500 عنوان موجود است. با این حال صدها هزار کتاب مرتبط با کسبوکار به چاپ رسیده است که با محدودیت عرضه در کتابفروشیها در حال جنگند.

6- فروش کتاب سال به سال سختتر میشود. درباره هر موضوعی، کتابهای زیادی نوشته شده و از این نظر بازار اشباع شده است پس هر کتاب برای پایداری در بازار راه دشوارتری پیشرو دارد زیرا علاوه بر اینکه امروزه رسانه‌های مختلف بیشتر وقت مردم را به خود مشغول کرده‌اند، هر کتاب باید با دهها میلیون کتاب منتشر شده دیگر رقابت کند. نتیجه اینکه بازده سرمایه‌گذاری در این عرصه نسبت به سالهای گذشته کمتر شده است.

7- اغلب کتابهایی که امروزه چاپ میشوند فقط در اجتماع نویسندگان و اهالی نشر طرفدار دارند. هر خواننده صدها کتاب جالب و مفید پیشرو دارد ولی فقط میتواند وقت محدودی را به مطالعه اختصاص دهد پس اغلب مردم تنها کتابهایی را می‌خوانند که در جامعه خیلی مهم تلقی میشود یا مجبورند آن را مطالعه کنند. مخاطب عام برای کتابهای غیرداستانی وجود ندارد درحالیکه نبود ارتباط موثر ناشران با عامه مردم مثل رفتن به دنبال سراب است.

8- امروزه اغلب بازاریابی کتابها توسط نویسندگان انجام میگردد، نه ناشران. بسیاری از ناشران برای غلبه بر بیثباتی بازار و سرپا نگهداشتن خود وظیفه بازاریابی را به دوش نویسندگان می‌اندازند. هرچند ناشران هنوز نقش مهمی در صنعت نشر و موفقیت کتابها در بازار دارند ولی به نظر میرسد دیگر نویسندگان هستند که در معرفی آثارشان نقش اصلی را ایفا میکنند.

9- هیچ صنعتی تا این میزان محصول جدید معرفی نمیکند. هر کتابی، محصولی جدید است که نیازمند آماده‌سازی، قیمتگذاری، بسته‌بندی، انبار شدن، معرفی و فروش است. با این حال هر کتاب جدیدی تنها 50 تا 150 هزار دلار فروش می‌رود که این مبلغ باید تمام هزینه‌های یاد شده را تامین کند؛ مشکلی که الزاما همیشه حل نمیشود. این موضوع بیش از هر چیز دست ناشران را برای عرضه و بازاریابی کتابی جدید میبندد.

10- دنیای نشر با آشفتگی بی‌پایانی دست‌به‌گریبان است. نامطمئن بودن، پیچیدگی نوع کسبوکار، رقابت شدید با فناوریهای جدید و رشد دیگر رسانهها موجب شده که برخی کتابفروشیها به تعطیلی یا به مرز ورشکستگی کشیده شوند. به نحوی که انتظار می‌رود در سالهای بعد این وضع بدتر شود.

مترجم: بهنام ناصح؛ منبع: دنیای اقتصاد